

تقدیم به همه شهیدان دانشگاهی که راه چگونه زیستن و چگونه رفتن را به ما آموختند.

مقدمه

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا و لعبا من الذين اتوا الكتاب من قبلكم و الكفار اولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين (مائدة: 57).

سیطره اندیشه و فرهنگ غربی بر جوامع شرقی هیچ جانبی از زندگی شرقیان را به حال خود وانهاده است. شرق‌شناسی به مفهوم امروزی آن که شامل مطالعات اسلامی در غرب نیز می‌باشد، جریان‌ی ریشه‌دار است که اهمیت آن تنها در تأثیرگذاری بر قالب و محتوای اسلام‌شناسی در کشورهای اسلامی نیست، بلکه وجه غالب اهمیت آن، در شکل‌دهی افکار غربیها - چه در محافل علمی و مجامع تصمیم‌گیرنده و چه در میان عامه مردم - است. نتایج و دستاوردهای شرق‌شناسی و به تبع آن، مطالعات اسلامی در غرب ریشه تلقی کنونی غربیها درباره اسلام و کشورهای اسلامی است و بی‌توجهی به این جریان و ابعاد و پیامدهای آن سبب خواهد شد که ما در مواجهه با غرب، چه در حوزه هجوم فرهنگی و چه در حوزه گفتگوی تمدنها، نتوانیم نقشی بایسته ایفا نماییم. وجود شش واحد درسی با نام «سیر مطالعات اسلامی در غرب» در مجموعه دروس رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری فرصتی مناسب است تا دانشجویان این رشته بتوانند با مطالعه و تحقیق در این حوزه، پیوندی واقعی و ملموس بین آموخته‌های خود و نیازهای کنونی کشور برقرار نمایند. تردید نمی‌توان روا داشت که حفظ کیان انقلابی و اسلامی این کشور عزیز، بویژه در نحوه تعامل با غرب، بدون بهره‌گیری از مطالعات تاریخی - به دلیل دور بودن از عنصر واقع‌بینی - راه به جایی نخواهد برد. اما دشواری نگاشتن کتابی در این زمینه - بویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که این اقدام برای نخستین بار جامه تحقق بر تن می‌کند - که از یک سو ویژگیهای یک متن درسی را داشته باشد و از سوی دیگر استعداد پیوند زدن این محتوا را با نیازهای فرهنگی کشور داشته باشد و در عین حال از اتقان علمی لازم نیز برخوردار باشد، بر کسی پوشیده نیست. اگر به این عوامل، موانع موجود بر سر راه پژوهش در کشورمان و بویژه دشواری گردآوری و دستیابی به منابع را نیز بیفزاییم، سختی کار نمایانتر خواهد شد؛ اما مشکل اصلی که در مسیر نگارنده قرار داشت، جدا کردن خود از تأثیرات ناخواسته مطالعات اسلامی در غرب بود که به هر دلیل مباحث دانشگاهی ما، بویژه در رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی از آن متأثر و حتی بر آن مبتنی است. شرق‌شناسی و سیر مطالعات اسلامی در غرب، یک درس در کنار دیگر دروس این رشته نیست، بلکه در نگاهی واقع‌بینانه، شالوده و بنیاد بسیاری دیگر از دروس بر آن استوار است. کوشش برای نگاهی از برون به جریان علمی و سیاسی و فرهنگی استشراق که به مفهوم امروزی آن شامل مطالعات اسلامی نیز می‌شود، دغدغه اصلی نگارنده بوده است. شاید این سخن امام خمینی رحمه‌الله علیه که مدتها بعد از شروع مطالعه و نگارش بخشهایی از کتاب بدان دست یافتم و این نگرانی و حساسیت را به شکلی بسیار کوتاه و نغز بیان می‌داشت توانست این دغدغه را پایان دهد و چگونگی نگرستن به موضوع را نشان دهد:

«کارشناسان استعمار با کمال تزویر و حيله با اسم اسلام دولتی و شرق‌شناسی پرده‌های ضخیمی بر چهره

نورانی اسلام کشیده و اسلام را با معماریها و نقاشی ابنیه عالیه و هنرهای زیبا معرفی نموده و حکومت‌های جائزانه ضد اسلام اموی و عباسی و عثمانی را به اسم خلافت اسلامی به جامعه‌ها تحویل داده‌اند و چهره واقعی اسلام را در پشت این پرده‌ها پنهان نگاه داشته، به طوری که امروز مشکل است ما بتوانیم حکومت اسلام و تشکیلات اساسی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن را بر جوامع بشری حتی مسلمین بفهمانیم.¹

گرچه لحن گزنده این سخنان که در اواخر دهه پنجاه بیان شده، ناظر به یکی از وجوه شرق‌شناسی، یعنی مطالعات با انگیزه‌های سیاسی است، دیگر مطالعات غربیها نیز که حتی با انگیزه‌های محض علمی صورت پذیرفته است، این آفت را داشته که چون از منظری که غرب به انسان می‌نگرد و او را محدود به جنبه‌های مادی می‌داند به اسلام نگرسته شده، اسلام و تمدن اسلامی را به مظاهر فیزیکی آن محدود کرده است و در چنین نگاهی، این دستاوردها گرچه در تشکیل هویت تاریخی یک ملت می‌تواند نقش داشته باشد، به هر حال متعلق به گذشته‌ای تکرارناپذیر است و این تلقی متعارف همه ما دانشجویان و دانش‌پژوهان تاریخ و تمدن اسلامی از اسلام و تمدن اسلامی است و شاید این موضوع یکی از مصادیق نگاه غیرجدی و غیرواقعی به دین - که در آیه طلیعه سخن نسبت به آن هشدار داده شده است - باشد. جهت‌گیری اصلی و روح حاکم بر این اثر ناچیز که چند سالی است وقت و فکر حقیر را به خود مشغول داشته، توجه دادن به این موضوع بنیادی است که به نظر می‌رسد می‌تواند اساس تفکر و نگاه ما را به تاریخ و تمدن اسلامی دگرگون سازد و روزه‌ای تازه برای مطالعه و بررسی در این موضوع در مقابل ما بگشاید. این هدف از طریق نگاه منصفانه و تا حد امکان ژرف کاوانه به مفهوم، ریشه‌ها، سیر تحول و ابعاد و روشهای مطالعات اسلامی در غرب و تأثیر آن در محیطهای اسلامی شرقی، و موضع کنونی و بایسته نسبت به آن دنبال شده است. این محورها، فصول شش‌گانه کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. البته این جهت‌گیری مانع از حفظ جنبه متن درسی بودن کتاب نبوده است؛ ولی این توضیح درباره فصل چهارم آن ضروری است که این فصل به دلیل محتوای خود که گزارشی از فعالیتهای اسلام‌شناسان در حوزه‌های مختلف فرهنگ و معارف اسلامی است سخت‌تر می‌توانست این جنبه درسی را به خود بگیرد. یک راه مواجهه با این مشکل پاک کردن صورت مسأله و حذف کامل این فصل، یعنی فصل ویژه گزارش از فعالیتهای اسلام‌شناسی بود که به نظر می‌رسید این روش، نقضی جدی در کتاب به حساب آید، ولی از سوی دیگر، ارائه گزارشی محض و بدون تحلیل نیز زیننده یک کتاب درسی نبود؛ از این رو، سعی شد تا ضمن ارائه این گزارش، به دو طریق جنبه تحلیلی آن نیز قوت یابد: یکی، از طریق تحلیل کلی فعالیت مستشرقان در حوزه مورد بحث که معمولاً - ولو در چند سطر - در پایان هر بخش آمده است و دیگری با رعایت چهارچوبی برای ارائه گزارش به گونه‌ای که در هر کدام از حیطه‌ها، برجسته‌ترین آثار، آثار برجسته‌ترین شرق‌شناسان، سیر تاریخی تدوین این آثار، کشورهایی که به این حوزه علاقه‌مند بوده‌اند و آثاری که به نوعی می‌توانند نگاهی نو و یا افقی تازه در ذهن دانشجویان پدید آورند، شناسانده شود؛ بنابراین، آنچه در این فصل آمده تنها گزینشی از آثار اسلام‌شناسان است که می‌تواند بستر فعالیت تحقیقی دانشجویان را در کلاس فراهم آورد و دانشجویان در قالب زمینه‌هایی که در پایان فصل آمده و یا دیگر روشهایی که به تشخیص و هدایت استادان محترم قابل اجراست به مطالعه و تحقیق و بررسی بیشتر بپردازند. یادآوری این نکته نیز ضروری است که آنچه در پایان هر

1. صحیفه نور؛ ج 1، ص 152.

فصل با عنوان «زمینه‌هایی برای تحقیق بیشتر» آمده است، پرسشهای درسی - که مثلاً به کار آزمون پایان نیمسال تحصیلی بیاید - نیست، بلکه برآستی زمینه‌ای است برای پژوهش دانشجویان عزیز و مشارکت فعال آنان در مباحثه علمی در کلاس درس. همچنین در همین جا باید از استادان و دانشجویان عزیز درباره عدم انسجام مطالب فصل پنجم که به بررسی انواع فعالیت‌های اسلام‌شناسان از یک سو، و انگیزه‌های آنها از سوی دیگر پرداخته است پوزش بطلبیم. در طرح اولیه قرار بر این بود که انگیزه‌های شرق‌شناسی و نیز روشهای شرق‌شناسی، هر کدام در فصلی مستقل آورده شود، ولی با توجه به ذکر پاره‌ای قابل توجه از مطالب مربوط به این مباحث در فصول دیگر - که گریزی از آن نبود - از حجم این فصلها کاسته شد و به نظر رسید بهتر آن است که با فصل مربوط به انواع فعالیت‌های اسلام‌شناسی ادغام شود؛ در نتیجه، با توجه به عدم امکان ایجاد سه فصل مستقل، فصل پنجم به صورت کنونی تدوین یافت.

با این تلقی و باور که در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) علی‌القاعده باید اصل بر پژوهش محوری باشد و دانشجویان نیازی به متن ثابت درسی نداشته باشند، کتاب حاضر ویژه دوره کارشناسی تدوین یافته است و بنابراین، درباره منابع آن نیز باید به این نکته دقت کرد که علت استفاده کمتر از منابع انگلیسی، افزون بر دشواری دسترسی به آنها، استفاده و مراجعه کمتر دانشجویان به آنهاست؛ زیرا دانشجویان ما، معمولاً در دوره کارشناسی توان کمتری برای بهره‌گیری از منابع خارجی و به طور مشخص انگلیسی دارند. این منابع که با زحمت فراوان و طی چند سال شناسایی و گردآوری شده است، به طور نسبی دربردارنده همه متون قابل دسترس در این زمینه است.

در اینجا بر خود واجب می‌دانم به حق سبق مرحوم دکتر مرتضی خلیج اسعدی در این زمینه اشاره نماید که با نگارش پایان‌نامه دکتری خود با عنوان *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی‌زبان: از آغاز تا شورای دوم واتیکان* - که امید است هر چه زودتر به جامعه علمی کشور راه یابد - گامی شایسته در این زمینه برداشتند و اگر دست تقدیر وجود با نشاط و فعال ایشان را زود و نابهنگام از میان ما نمی‌برد، قطعاً منشأ آثار بیشتری می‌شدند. خداوند غریق دریای رحمت و سعادت خویشش کند. همچنین سزاست تقدیر و سپاس خود را به محضر استاد گرامی و نکته‌بین جناب آقای دکتر عالم‌زاده، مدیر وقت گروه الهیات سازمان «سمت» تقدیم دارم که با منت نهادن بر سر حقیر، تألیف کتاب را به اینجانب پیشنهاد کردند و با پیگیری تکلیف‌آور خویش برای به پایان رساندن کار و سرانجام با مطالعه متن کامل اثر، حقیر را رهین لطف و رهنمودهای خویش ساختند. اگر قرار باشد از همه کسانی که به نحوی در فراهم آمدن این اثر سهم داشته‌اند نام برده شود، سیاهه‌ای بلند فراهم خواهد شد، ولی دور از انصاف است که سپاس خود را از زحمات و پیگیریهای مجدانه و همدلانه سرکار خانم روغنی، کارشناس ارشد گروه الهیات سمت و ویراستار کتاب تقدیم ننمایم. تدوین بخشی از این کتاب در فضای دانشگاه امام صادق علیه‌السلام که توفیق تحصیل و خدمت در آن را داشته و دارم به انجام رسیده است. از خداوند می‌خواهم به همه اعضای این خانواده دین‌باور که تحت رعایت و هدایت استاد فرزانه حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (دامت برکاته) می‌کوشند نمونه‌ای از دانشگاه اسلامی را در مسیر خدمت به اهداف والای انقلاب اسلامی پدید آورند کامیابی ارزانی دارد.